



## قسمت زنان

از این بید در شماره قسمتی بزنان اختصاص خواهد یافت. در این قسمت نظاماً و ندرآ آنچه درج شود یا راجع بزنان است یا بقلم آنان خواهد بود. مخصوصاً نویسندگان اجتماعی و بانوان با فضل و کمال را بشرکت قلمی در آن دعوت میکنیم.

# مرد ایرانی و زن اروپائی

## نگارش آقای دولت آبادی

پیش از شروع بمقصود از بعضی خانمهای اروپائی که در سالهای اخیر با بعضی از هموطنان ما همسری نموده اند و بواسطه مزایای اخلاقی که دارند ایران را وطن دوم خویش شمرده اولاد خود را ایرانی وطن پرست میپرورانند و نسبت بشوهرهای خود همان احترام را منظور میاورند که اگر آنها اروپائی بودند منظور آورده میشد معذرت خواسته عرض میکنم روی سخن باشما نیست و بایک یاده گل هم بهار نمیشود بلکه مسئله بطور کلی و از نظر اساسی مطرح میگردد

مدتیست در مملکت ما و در سایر ممالک شرقیه اسلامییه و غیره ازدواج جوانان باخانمهای اروپائی مرسوم گشته بی آنکه در اطراف اینکار

مطالعات عمیقی شده مصالح و مفاصل اینعمل برای حال و استقبال جامعه  
کاملاً سنجیده شده باشد

بلی در تمقیب اقامت جوانهای ما در خارج و آزادی نامحدود  
بسیاری از آنها برای هرگونه اختیار مخصوصاً در سالهای آخر که از  
يك طرف رفت و آمدها باروپا زیاد شد و از طرف دیگر بدلایلی که جای  
ذکر آنها نیست در اروپا شوهر کمیا بگشت میبینیم یگنده از آقایان جوان  
ایرانی از خانهای خود بیرون آمده دست يك خانم اروپائی را گرفته  
خانواده تازه تشکیل یافته مرکب از خارج و داخل را بجامعه معرفی مینمایند  
باطاقهای انتظار سفارتخانهای مختلف وارد شده مشاهده مینمائیم  
يك آقای محترم ایرانی بایک خانم اروپائی در انتظار نشسته که خانم خود  
را بسفیر مملکتی که از آنجا زن گرفته است معرفی نماید و یا برای انجام  
حاجتی راجع بکارهای همسر خود بان سفارتخانه آمده است  
در مهمانیهای رسمی و غیررسمی اروپائی مخصوصاً در شب نشینها  
میبینم آقایان ایرانی باخانم خویش وارد شده همسر خود را بحاضرین از  
خارج و داخله معرفی مینمایند و ممنون میگردند که محترمین از مدعوین  
بخانم ایشان دست داده با او همان رفتار را بنمایند که بایک خانم شوهر  
روپائی مینمایند

بدیهست این ترتیبات در دنیای امروز محظوری نخواهد داشت  
در صورتیکه اصل و اساس قضیه با ذره بین دقیق اجتماعی دیده و خیر و  
شرش سنجیده شده باشد اگر خیر و صلاح جامعه در این اقدام است آنرا  
از کارهای نیکو شمرده کسانی را که پیشقدمی در اینکار سودمند نموده اند  
تقدیس کنیم و دیگران را باین اقدام تشویق نمائیم و اگر خیر و صلاح جامعه  
نبوده باشد مرتکبین را ملامت و تغییر نمائیم و بایند و اندرز از این هوا  
و هوس بپندازیم.

اینست که ما اینمقاله را بمنزله طرح اساسی يك مسئله مهم اجتماعی  
قرارداده اصول نظریات موافقین و مخالفین را تا آنجا که بنظر میرسد بطور  
اختصار بیان کرده از متفکرین و علاقه منندان بوطن ه آف بزموز

اجتماعی تنها مینمائیم در اطراف این مسئله اظهار عقیده فرموده بتوسط مجله آینده یاد دیگر مطبوعات بگوش عامه برسانند

(۱) درختی که عمرش طولانی شد رفته رفته بارش کم

و نامطبوع میگردد بلکه گاهی بی بار و بر میماند  
ولی همان درخت را که با شاخه از درخت ناداب

نظریات

موافقین

نورس پیوند زدند قوی و بارآورگشته میوه های

آن زیاد و مطبوع میگردد يك ملت مانند يك درخت است همینکه کهن سال گشت بيمصرف و بی ثمر میشود ولی بمحض اختلاط و امتزاج آن با نژاد های دیگر ضعف و ناتوانی پیری او مبدل بقدرت و قوت جوانی میگردد و زندگانی خود را تجدید مینماید پس برای رعایت این نکته

ازدواج پسران ایران بادختران اروپائی صلاح جامعه و پسندیده است  
(۲) - شرقیان عموماً [ الا نادر ] و ما ایرانیان خصوصاً نه خوب

اندیشه میکنیم و نه صحیح رفتار مینمائیم همینکه دماغهای صحیح الفکر و صحیح العمل داخل زندگانی اجتماعی ما شد رفته رفته طرز اندیشه کردن و شکل رفتار نمودن ما عوض میشود و ضرورتاً وضع زندگانی ما تغییر مییابد در اینصورت ازدواج با خانمهای اروپائی این خاصیت را میبخشد خصوصاً در وضع خانه و شوهر داری و صرفه جوئی در زندگانی

(۳) - یکی از مهمترین تکلیفات جامعه حسن تربیت اطفال است

و اینکار انجام نمیگیرد مگر با بودن مادرهای دانای توانا در صورتیکه متأسفانه در جامعه ما مادر باین صفت که گفتیم کم یافت میگردد ازدواج با زنان اروپائی این نتیجه را میدهد که اطفال ما در دامان مادرهایی بار میآیند که بدانند و بتوانند اولاد خود را با خلق نیکو و صحت بدن تربیت نمایند

(۴) - جوانهای ما مخصوصاً تحصیل کردگان و اروپا دیدگان

آنها فهمیدند که خودشان باید شریک برای زندگانی خود انتخاب نمایند و بواسطه رسم و عادت معمول در شهر ها نمیتوانند کاملاً باینکار کامیاب شده بر احوال خلقی و خلقی آنکس که میخواهند با او همسری کنند پی برده باشند در اینصورت یا باید از دهقانان که بسادگی طبیعی از مردان پاك دیده رونمپوشند زن انتخاب نمایند و یا برای خوشبختی زندگانی

زندگانی ناچار خواهند بود همسر اروپائی بگیرند تا ندیده و نشناخته برای خود شریک زندگانی نگرفته باشند

اینها است اصول نظریات موافقینی که از زبان آنها شنیده میشود و دلیل اول شامل دلیل دوم و سیم هم میباشد بطور اجمال و تفصیل شاید ادله دیگر هم غیر از آنچه گفته شد برای ترجیح دادن اختیار همسر اروپائی بر ایرانی داشته باشند که از نظر ما پوشیده است

۱) - بدیهیست دختران اروپائی مغرور و متمول

**نظریات** و هیچگاه بفکر ازدواج بایک جوان شرقی آنها  
**مخالفین** از مللی که تمام متمدن نبوده باشند نمیافتند خصوصا

که لازمه آن ازدواج دوری از وطن دوری از خانواده و ترك هموطنان بوده باشد چونکه سرشناس و با مکتب میباشد و هر قدر هم برای خود آنها شوهر کمیاب باشد تمولشان بقدر کفایت طالب خواهد داشت در اینصورت اگر بایگانه وصلت نکنند نه در خانه میمانند و نه از وطن و خانواده خود دور میگردند پس آن دخترانی که حاضر میشوند ترك وطن و خانواده بگویند بهوای دولت و دارائی شوهر است و چون باین هوا آمدند تمام احترامات که از شوهر نگاه میدارند تا وقتیست که آن تمول برای مرد باقیست و بمحض تنگدستی مرد دیگر آن خانمهای اروپائی گرچه سالها از عمر ازدواجشان گذشته باشد برای خود در مقابل شوهری که همه چیزش را فدای آنها کرده هیچگونه تکلیف قائل نشده بلکه از هرگونه بی احترامی هم نسبت بشوهر خود دربع نمینمایند چنانکه مکرر دیده و شنیده شده است بلی اتفاق افتاده که هوا و هوس جوانی از دو طرف سلسله جنبان ازدواج جوانهای ایرانی با دختران اروپائی میگردد در اینصورت هم غالباً دیده شده است که بمحض گذشتن هوا و هوسهای اولیه آن زن بردوش آن مرد بارگران پر زحمتی میگردد که نه میتواند بکشد و نه میتواند بر زمین گذارد و عمر خود را بدبختی و سیه روزگاری میگذراند و یا کار آنها بدنامی ملت در نزد اجانب میکشد (۲) - مسلم است ملت پیش و پیش از همه چیز مادر میخواهد چه ملت بی مادر مرد نخواهد داشت و ملت بی مرد قابل زندگانی نمیشد

و هم مسلم است که اولاد خصوصاً دختر علاقه اش ب مادر بیشتر است تا پدر در این صورت باید تصدیق داشت دختران مادران اروپائی چون دارای استقلال فکر و عقیده بشوند بسیار مشکل است که ملیت مادر را بکلی فراموش کرده خود را يك دختر صرف ایرانی بدانند و در دماغ زادگان خویش تنها روح تعصب ملیت پدری را تزریق نمایند

از خوانندگان اجازه می خواهم جمله معترضه اینجا بیاورم و باز بمقصد برگردم گفتم تعصب ملیت در صورتیکه عقیده اساسی من مخالف هر عصبیت است و من آن دنیائی را می پسندم که بمنزله یک خانه و سکنه آن مانند يك خانواده بوده باشد بلی با این عقیده لفظ تعصب ملیت بظاهر منافی است اما باید دانست که این عقیده برای دوستداران عالم بشریت آرزویی است که میان آنها و آن آرزو کوههای شامخ پولادی و دره های پراز آتش و آهن ذوب شده حرص و طمع فاصله است و تا يك مدرسه بزرگ بطول و عرض دنیا برای تحصیل اخلاق بشر با معلمینی که از آسمان رحمت الهی مستقیم بفضای آن مدرسه افتاده باشند تاسیس و تکمیل نشود مشکل است باین آرزوی خود برسند پس در این حال تعصب ملیت برای هر جامعه بشری آیه رحمت و سعادت نامیده میشود خصوصاً در روزگار کنونی که هر کس هر کجای دنیا افتاده باشد اگر دو دسته کلام خود را روی سرمحکم نگاه ندارد کلاهش در پس مهر که است در این صورت استعمال کلمه تعصب ملیت با عقیده اساسی من منافات نخواهد داشت

برگردیم باصل مطلب یعنی تتمه دلیل دوم مخالفین ازدواج پسران ایرانی با دختران اروپائی میگویند اولادی که از میان پدران ملت های کم قوت و مادران قوی خصوصاً از مللی که روابط سیاسی با آن ملت کم قوت داشته باشد در آیند مشکل است بقدری متعصب بگردند که اگر اختلافاتی روی دهد همه چیز را فدای وطن خود بنمایند خصوصاً که اگر خوب دقت کنیم می بینیم که اولاد مرد ایرانی و زن اروپائی غالباً نه مسلمانند نه مسیحی نه ایرانیند و نه اروپائی

دلیل سیم مخالفین آنکه زن وشوهر غالباً محرم اسرار یکدیگر گشته هیچ چیز را از هم پوشیده و پنهان نگاه نمی دارند و چگونه میتوان محرم دانست باسرار مملکت کسی را که اگر دارای وجدان يك نباشد

در عین حسن رابطه با شوهر و الا پس از حصول کدورت با شوهر از افزایش اسرار او در مقامات مهم مضایقه نکند در صورتیکه نه دینت و نه قومیت مملکت شوهر مانع و رادع او بوده باشد و در میان هزار فرد یکی اگر ممکن شد اینطور اتفاق افتد برای مرجوعیت اینکار کافی خواهد بود

چهارم - اروپائیان نمیتوانند با دختران مسلمان ایرانی ازدواج نمایند در اینصورت اگر پسران ایرانی زیاد هوس نمایند که زن اروپائی بگیرند تکلیف دختران ایرانی که خواهران عزیز وطنی آنها هستند چه خواهد بود؟ در صورتیکه از حیث خلق و خلق ذاتی معلوم نیست دختران اروپائی نوعاً بر دختران ایرانی مزیتی داشته باشند و در سالهای آخر همان اندازه که پسران تحصیل کرده در مملکت ما زیاد شده اند بر عدد دختران تحصیل کرده تربیت شده هم افزوده شده است و تمام امید واری آنها در سعادت آتیه خود بجهت تحصیل کرده تربیت شده علاقه مند به ترقی جامعه ایرانیست که دست بدست آن دوشیزگان دانشمند پاك دل داده خانوادهای شرافتمند ایرانی تشکیل داده هر دوزخمت بکشند هر دو کار بکنند و هر دو در زندگانی شرکت نمایند و بالاخره در زیر سایه رفاه و عطف پدر و مادر ایرانی فرزندان صحیح المزاج قوی الاراده پرورانیده رفته رفته ملك و ملت را از حاجتمندی بمرد و مادر بنیاز سازند در اینصورت اگر از اول روی دل پسران تحصیل کرده و تربیت شده ایرانی از دختران فاضل هموطن خود منحرف شده و بجانب ازدواج با دختران اروپائی متوجه گردد نه تنها آرزوهای دور و دراز و در عین حال لطیف و ظریف دوشیزگان وطن باید بذاك برود بلکه آرزوی وطنخواهان حقیقی مملکت هم که میخواهند پاك ایران از هر جهت پاك و منزله برای اعقاب خود یادگار بگذارند در زیر خاك سیاه حسرت و ناامیدی مدفون خواهد گشت

اینست خلاصه نظریات مخالفین و موافقین ازدواج پسران ایرانی با دختران اروپائی و شاید آن آقایان محترمی که در میان ایشان اشخاص فاضل وطن دوست بانصاف هم بافت میشود و برحسب پیش آمد ها با اروپائیان وصلت کرده اند بمرور زمان تجربیاتی آموخته و اندوخته کرده باشند که